

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۱۵۰-۱۳۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تحلیل و بررسی علل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان

سید محمدجواد مومنی* / محمدحسین تقوی کوتنائی** / علی نقی لو***

چکیده

جمهوری تاجیکستان در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ بعد از فروپاشی شوروی به استقلال دست پیدا کرد. در همگرایی دولت‌ها از منابع مادی و توانایی اقتصادی یکدیگر و با همکاری مشترک بهره می‌گیرند و با همگرایی و روابط حسنه است که می‌توانند کمبودهای یکدیگر را از جهات مختلف تامین کنند و مکمل اقدامات سرمایه گذار و تولیدی یکدیگر باشند. گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان از همان روزهای آغاز استقلال این کشور مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفته است از اینرو در سیاست خارجی ایران، تاجیکستان از جایگاه ممتازی برخوردار بوده و به دلیل اشتراکات فراوان بین دو کشور می‌توان آن را روابط خویشاوندی دانست. اقتصاد و سرمایه گذاری، قرابت زبانی، پیوند دیرینه فرهنگی و نژادی، علقه‌های دینی و تاریخ مشترک میان ایران و تاجیکستان، بستری مناسب برای همگرایی بین دو کشور را فراهم می‌نماید.

کلید واژه‌ها

همگرایی، اقتصاد، پیوندهای زبانی و دینی، قرابت زبانی، تاریخ مشترک

* کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)
mohammad.j.momeni@gmail.com

** کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

*** کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

تاجیکستان از جمله ۱۵ کشوری است که با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال نمود این کشور در ابتدای استقلال خود درگیر جنگ داخلی شد در نتیجه پس از مذاکرات طولانی نمایندگان حکومت با مخالفان آن، در مسکو، کابل، آلماتی، عشق‌آباد، بیشکک، مشهد و تهران، سرانجام رهبر حزب نهضت اسلامی و امامعلی رحمان، سازش‌نامه عمومی استقرار صلح و سازگاری ملی را در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ در مسکو امضا کردند و رسماً به جنگ داخلی پنج ساله پایان دادند. جمهوری اسلامی ایران، جزو نخستین کشوری بود که استقلال جمهوری تاجیکستان را به رسمیت شناخت و اولین کشوری بود که سفارتخانه خود را در شهر دوشنبه افتتاح کرد. در واقع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری تاجیکستان از جایگاه ممتازی برخوردار بوده و جنس روابط بین دو کشور را از همسایگی صرف بالاتر بوده و به نوعی می‌توان به دلیل اشتراکات فراوان بین دو کشور آن را روابط خویشاوندی دانست. این کشور واقع در آسیای مرکزی با جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراکات فراوانی است قرابت زبانی و پیوند دیرینه فرهنگی، دینی و تاریخی میان ایران و تاجیکستان، بستری مناسب برای توسعه و تعمیق روابط دوجانبه در زمینه‌های مختلف میان تهران- دوشنبه ایجاد می‌کند به طوری که این عوامل می‌توانند منجر به تعاملات گسترده بین دو کشور شود. اما هرچند که عوامل مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان در پیوند میان دو کشور و همکاری بین آنها اهمیت دارد اما برای استمرار این همکاری‌ها به عوامل دیگری نیز نیاز است با وجود اشتراکات میان دو کشور تفاوت‌های قابل توجهی نیز میان آنها وجود دارد که از مهمترین تفاوت‌ها ارزش‌های سیاسی متفاوت است کشور تاجیکستان به ارزش‌های غربی‌گرایش بیشتری دارد و بیشتر خود را یک دولت سکولار می‌داند.

تاجیکستان به عنوان تنها کشور فارسی‌زبان در آسیای مرکزی وضعیت متمایزی با سایر کشورهای این منطقه دارد. آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که از جایگاهی روزافزون در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، برخوردار گشته و اکنون به عنوان یکی از مهمترین زیر سیستم‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود. با این وجود همگرایی و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان در برخی از دوره‌ها با مانع جدی مواجه شده و حتی به پایین‌تر سطح روابط رسیده بود. سوالی که در این مقاله درصدد پاسخ به آن هستیم عبارت است از اینکه چه عواملی باعث همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان می‌شود؟ همگرایی از جمله عوامل مهمی است که کشورها را از گرایش به سوی بحران‌ها و چالش‌های منطقه‌ای و جهانی محافظت می‌کند و می‌توان گفت همگرایی از این جهت اهمیت دارد که دولت‌ها از منابع مادی و توانایی اقتصادی یکدیگر و با همکاری مشترک بهره می‌گیرند و با همگرایی

و روابط حسنه است که می توانند کمبودهای یکدیگر را از جهات مختلف تامین کنند و مکمل اقدامات سرمایه گذار و تولیدی یکدیگر باشند. می توان گفت اشتراکات فرهنگی اساسی ترین زمینه تحکیم پیوند ها میان مردم دو کشور تاجیکستان و ایران محسوب می شود زیرا ریشه های تاریخی یکسان، زبان مشترک و دین واحد در کنار تشابه سنت ها و آیین ها و باورهای اجتماعی ملی و محلی شرایط بی نظیری را برای توسعه بیش از پیش مناسبات فرهنگی میان دو کشور فراهم آورده است. روش پژوهش در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است که برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و اسنادی و منابع اینترنتی استفاده شده است.

۱-چارچوب نظری: نظریه همگرایی

ریشه های نظریه همگرایی را می توان در میان اندیشمندان و نظریه پردازان لیبرال به ویژه لیبرالیسم کلاسیک یافت. لیبرالها در اوایل قرن بیستم تاکید کردند که دیگر جوامع مانند گذشته از هم جدا نیستند و این تجارت جهانی است که آنها را به هم پیوند زده است. یکی از این نظریه پردازان لئونارد ولف است که معتقد است که انقلاب صنعتی باعث تحول در رشته روابط بین الملل شده است و این وابستگی به هم باعث می شود که دیگر سود یکی به معنای زیان دیگری نباشد و این سود و زیان ها جنبه متقابل دارند اما باید به این نکته توجه کرد که تجارت جهانی منجر به صلح نمی شوند اما آنچه اهمیت دارد این است که در شرایطی که وابستگی متقابل ناشی از تجارت فزاینده است هزینه جنگ افزایش می یابد و بنابراین باید از آن بیش از پیش اجتناب شود. ولف در ادامه می گوید اکنون جهان چنان در هم تنیده شده که دیگر برای یک دولت امکان ندارد بتوانند در سرحدات خود وارد جنگ شود و همسایه در سوی دیگر از این جنگ بی خبر بماند ما چنان با رشته های طلا، نقره، تجارت و مالی گذشته از سیم های تلگرام و خطوط آهن به یکدیگر پیوند خورده ایم که خطر آن وجود دارد که هر جنگی به یک جنگ جهانی تبدیل شود (Woolf, 1996:128).

اگرچه برخی از لیبرال ها به ویژه طرفداران نظریه وابستگی متقابل و همگرایی معتقدند که در جهان فعلی مدرن و صنعتی شده جنگ اساساً کارکرد خود را از دست داده است اما این به معنای آن نیست که تحول لازم و مناسب رخ خواهد داد. وضعیت جهان حاکی از آن است که تغییرات نهادی و نگرشی لازم و متناسب با این تحولات ایجاد نشده است. جنگ پر هزینه شده و کارکرد مثبت ندارد اما این به معنای این نیست که دیگر جنگ روی نمی دهد درست است که دولت ها کارکرد خود را به معنای سنتی از دست داده اند اما همچنان دولت ها پایه اصلی روابط بین الملل هستند. در واقع عادت ها، ذهنیت ها و

اعتقادات هستند که باید تغییر کند تا با تغییرات شکل گرفته در حوزه اقتصادی و فناوری تناسب داشته باشند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۹). در ادامه این مقاله به مهمترین نظریه های همگرایی به صورت خلاصه پرداخته می شود.

۲-۱- نظریه فدرالیسم:

قدیمی ترین گرایش در خصوص همگرایی فدرالیسم است. طراحان این نظریه معتقدند که فدرالیسم قاطعانه ترین راه حل برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح و ثبات و در نتیجه رسیدن به وحدت سیاسی است. گرچه فدراسیون ها هر دولت عضو هویت خود را حفظ می کند، ولی در کل اهداف و نیازهای مشترک بازیگران یکسان می باشد از این رو نظمی مشترک به وجود می آید و دولت ها در قالب یک واحد فوق ملی و بر اساس یک قانون اساسی مدون به همگرایی می رسند. به زبان دیگر هدف سازش دو گرایش و تقاضای متضاد یعنی اقتدار سلسله مراتبی در قالب یک دولت فدرال و حفظ خودمختاری اعضا بر پایه قانون اساسی است یعنی وحدت بدون یکسانی و تنوع و تکثر بدون آنارشی یا وحدت در عین کثرت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۵).

گراهام اسمیت معتقد است که فدرالیسم به عنوان شکلی از پلورالیسم جغرافیایی در حال جلب توجه کشورهای است که در صدد حفظ وحدت دولت در جوامع چند قومی هستند (Smith, 1995). مورای فورسیث معتقد است، مردمی که از لحاظ زبان، نژاد و فرهنگ مختلف هستند، می توانند مزایای عضویت مشترک در یک فدراسیون را احساس کنند (Forsyth, 1989: 4). ریمون آرون نیز معتقد است که در پاره ای از کشورها فدرالیسم پاسخی است برای مشکل همزیستی ملیت های مختلف در داخل یک کشور. با توجه به نظریه های مختلف فدرالیسم و تجارب نظام های فدرال به شاخصه های مختلف در این نظام ها پی می بریم که عبارتند از: ۱ - دوگانگی^۱ در زمینه ی اقتدار سیاسی (وجود حکومت مرکزی و حکومت های ایالتی)؛ ۲ - تفکیک اختیارات و صلاحیت ها بین مرکز و ایالات؛ ۳ - عدم تمرکز در قدرت به صورت افقی (بین قوای سه گانه و ارگان های مختلف) و عمودی (بین مرکز و مناطق)؛ ۴ - وجود قانون اساسی مدون و نوشته شده؛ ۵ - برتری قانون فدرال بر قوانین ایالتی؛ ۶ - عدم توانایی ایالات در جدایی خواهی از دولت فدرال؛ ۷ - سیستم دو مجلسی؛ ۸ - وجود دادگاه های فدرال (ساعتی و مرادی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴).

بنا بر این می توان چنین نتیجه گرفت که صاحب نظران سیاسی، فدرالیسم را مؤثرترین شیوه برای حل معضل تأسیس دولت - ملت در جوامعی می دانند که با چند گونگی های ساختاری اعم از

قومی، نژادی و مذهبی مواجه هستند. فدرالیست‌ها اتحاد و وحدت میان دولت‌ها را بر اساس وجود یک نوع قانون اساسی که در آن دولت‌های شرکت‌کننده ملزم و متعهد به اجرای مفاد آن هستند و در چهارچوب یک واحد فوق‌ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

۲-۲- نظریه‌های اقتصادی همگرایی:

در برخی از نظریه‌های همگرایی نیز استدلال مبتنی بر تجارت حائز اهمیت است همگرایی هم می‌تواند به عنوان فرایند مهم وضعیت تغییر شود وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند فرایند یا فرایندهای دخیل در آن عبارتند از وسایل و ابزاری که این اجتماع از طریق آنها حاصل می‌شود فرایند همگرایی باید داوطلبانه و مبتنی بر اجماع باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۸۴).

اکثر نظریه‌های همگرایی، همگرایی منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند هر چند که بر مبنای نظریه‌هایی هستند که می‌توانند ابعاد جهانی نیز به خود بگیرند یا چنین ابعادی دارند. رهیافت‌های متفاوتی به همگرایی وجود دارد و می‌توان در مرحله اول به نظریه‌های اقتصادی مانند نظریه اتحادیه گمرکی^۱ و نیز نظریه منطقه بهینه پولی^۲ اشاره کرد در این نظریه‌ها بر اساس سود حاصل از همگرایی اقتصادی و تاثیرات رفاهی آن توضیح داده می‌شود اکثر این نظریه‌ها ایستا هستند و به پویایی‌های همگرایی مانند تغییر در قواعد و سیاستهای حاکم بر مناطق اقتصادی نمی‌پردازند (Mattli, 1999: 19).

اتحادیه گمرکی یکی از اشکال همگرایی میان دولت‌هاست در این ترتیبات دولت‌ها تعرفه‌های گمرکی را از روابط تجاری میان خود حذف می‌کنند اما یک تعرفه مشترک بیرونی تدوین می‌کنند آن را علیه همه دولتهای دیگر به کار می‌گیرند در نتیجه در درون اتحادیه تجارت آزاد شکل می‌گیرد ترتیبات مربوط به اتحادیه‌های گمرکی معمولاً مبتنی بر چند مرحله از هماهنگ‌سازی میان دولت‌های عضو است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۱۷۷). فرض اساسی نظریه اتحادیه گمرکی این است که اگر تجارت کاملاً آزاد باشد افراد در همه کشورها از این امکان برخوردار می‌شوند که کالای مورد نظر خود را با ارزان‌ترین قیمت تهیه کنند گرفتن اتحادیه گمرکی به این معناست که چند کشور بر مبنای یک قرارداد موانع گمرکی را از روابط تجاری میان خود بر می‌دارند اما منافع مشترکی در قبال سایرین خواهند داشت در نتیجه تجارت میان خود آنها تشویق می‌شود و آنها می‌توانند از این آزادی تجاری بهره ببرند هر کشور در تولید کالای مزیت نسبی بیشتری دارد و می‌تواند آن را با هزینه کمتری تولید و عرضه کند چون

¹ - Customs Union

² - Optimal Currency Area

تجارت آزاد است افراد در همه کشورهای عضو می توانند این کالاهای ارزان را بخرند بنابراین رفاه آنها با این تجارت آفرینی بیشتر می شود اما به دلیل موانع گمرکی در برابر سایرین نوعی تحریف تجارت صورت می گیرد افراد کشورها نمی توانند از کالاهای ارزان تری که کشورهای غیر عضو تولید می کنند به بهای ارزان استفاده کنند چون تعرفه گمرکی بر آنها افزوده می شود و بهای آن ها را افزایش می دهد. در نهایت از منظر این نظریه حداکثر رفاه همه نهایتاً فقط با تجارت جهانی کاملاً آزاد محقق خواهد شد (Mattli, 1999:35).

۲-۳- نظریه وابستگی متقابل:

ریشه فکری نظریه وابستگی متقابل را می توان در مطالعات مربوط به همگرایی منطقه ای یافت. نظریه پردازان وابستگی متقابل بسیاری از نگرش های مربوط به نظریه همگرایی منطقه ای را به طیفی از مسائل که به وابستگی متقابل اقتصادی بین الملل مربوط می شود و در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد گسترش دادند نظریه وابستگی متقابل را در زمره نظریه هایی در روابط بین الملل می دانند که در راستای پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان در مطالعه روابط بین الملل مطرح شده است کوهن و نای تلاش می کنند سیاست جهان را با طرح توضیحاتی در سطح نظام بین الملل درک کنند اما در عین حال به روند های داخلی نیز توجه دارند. مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل را می توان شامل وابستگی متقابل (پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت ها در مواردی که تغییر در موقعیت یک دولت جایگاه سایرین را در همان جهت تغییر می دهد)، قدرت (کوهن و نای قدرت را چنین تعریف می کنند که توانایی یک بازیگر به انجام کاری که طرف مقابل در صورت عدم وجود قدرت آن را انجام نمی داد و با هزینه ای که از نظر بازیگران قابل قبول باشد)، حساسیت (تغییرات در یک کشور با چه سرعتی موجب تغییرات در کشور دیگر می شود و آثار پرهزینه آن تا چه حد است)، آسیب پذیری (قابلیت یک بازیگر در تحمل هزینه های تحمیلی ناشی از وقایع خارجی حتی پس از تغییر سیاست ها)، هزینه، تقارن (شرایطی که وابستگی دو جانبه به طور مساوی و در حالت توازن قرار می گیرد) و عدم تقارن (شرایطی که یک طرف کاملاً وابسته به طرف دیگر باشد که بارزترین آن شرایط وابستگی است که در بسیاری از روابط شمال و جنوب دیده می شود) دانست (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۴۸-۵۱).

نظریه وابستگی متقابل مبتنی بر فرض های است این مفروضه ها عبارتند از:

۱- کانال های متعددی جوامع را به یکدیگر می پیوندند این کانال ها را می توان تحت عنوان روابط میان دولتها، روابط فراهکومتی یعنی روابط میان نخبگان سیاسی کشورها ولی خارج از کانال های اصلی و رسمی دیپلماتیک و فراملی خلاصه کرد.

۲- دستور کار روابط میان دولت ها، یعنی مجموعه مسائل مربوط به سیاست خارجی از اقسام متعددی تشکیل می شود که در سلسله مراتب روشن یا مداومی قرار نمی گیرند. به عبارت دیگر مسائل امنیتی و نظامی دیگر در راس مسائل بین المللی قرار ندارند بلکه مسائل اقتصادی و رفاهی یعنی مسائل مربوط به حوزه سیاست ملایم، اهمیت یافته اند.

۳- دولت ها از نیروی نظامی در مواردی که وابستگی متقابل پیچیده حاکم است علیه سایر دولت هایی که در منطقه وابستگی متقابل قرار دادند استفاده نمی کنند زیرا زور راه مناسبی برای نیل به اهداف نظیر رفاه اقتصادی تلقی نمی شود همچنین وجود سلاح های هسته ای با توجه به ماهیت تخریبی متقابل شان از میزان استفاده از نیروی نظامی می کاهد (پیشین: ۵۱).

بر اساس نظریه های همگرایی که در بالا به آن اشاره شد آنچه در همگرایی اهمیت دارد فرایندی است که به نظر می رسد می تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کنند. یکی از مفاهیمی که در همگرایی مورد استفاده قرار گرفته است که توسط ارنست هاس مطرح شده سرایت یا سرریزی است. فرض بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی در جهان صنعتی پیشرفته به هم وابسته هستند در نتیجه، هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می کند که مستلزم همکاری در بخش های دیگر می شوند و همگرایی از بخشی به بخش دیگر سرریز می کند و این روند ادامه می یابد. به طور مثال اگر در حوزه زغال و فولاد اقداماتی برای همکاری و همگرایی صورت گیرد به تدریج به بخش های دیگر مثل صنایع خودروسازی و غیر هم بسط پیدا می کند. در حوزه سیاسی نیز چنین سرایت یا سرریزی ای دیده می شود. در پاسخ به همگرایی بخش ها رفتارها و انتظارات و ارزش ها به تدریج تغییر می کنند و گروههای ذینفع و احزاب سیاسی در سطح فراملی به هم نزدیک می شوند. البته این سرایت و سرریزی خود به خود صورت نمی گیرد. درس هایی در یک حوزه گرفته می شود اما گروه ها در بخش های مختلف یا یک گروه در حوزه های مختلف ممکن است به یک شکل عمل نکنند، بنابراین سرایت لزوماً همیشه و مستمر و یکنواخت شکل نمی گیرند. گاهی عملاً نیل به سیاست های مشترک بسیار دشوار می شود و در چنین شرایطی این نهادها فوق ملی اند که می توانند نقش میانجی را ایفا کنند و با تشویق طرفین به دادن امتیاز به یکدیگر در حوزه های مختلف به همگرایی کمک کنند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۶۳)

۳- روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان:

پس از فروپاشی شوروی و تبدیل آن به پنج کشور جدید در آسیای مرکزی، در روابط ایران با این کشورها فصل جدیدی پدیدار شد. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان به سبب پیوندهای

تاریخی، فرهنگی و زبانی موجود میان دو کشور و ذکر این حقیقت که تاجیکستان به عنوان تنها کشور فارسی زبان در آسیای مرکزی است که وضعیت متمایزی با سایر کشورهای این منطقه دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا ضروری است که روابط ایران و تاجیکستان را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از زمان استقلال تاجیکستان (فروپاشی شوروی) تاکنون را به صورت خلاصه بررسی نمود.

۳-۱- روابط سیاسی ایران و تاجیکستان:

روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان از زمان استقلال تاجیکستان تابعی از عوامل و متغیرهای گوناگونی بوده است علی رغم اشتراکات فراوان بین دو کشور اما روابط آنها همزمان با نوسانات و تغییر دولتها با شدت و ضعف مواجه بوده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران با حاکم شدن گفتمان عملگرایی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، براساس شناختی ناصحیح منطقه آسیای مرکزی مأمّن و ملجأیی در راستای تأمین منافع ملی ایران نبود. ایران آن زمان تحت تأثیر ملاحظات ایدئولوژیک بود و حاکمیت مطلق شوروی نیز بر این منطقه موجب بی اطلاعی یا اطلاعات محدود از این منطقه شده بود و همین امر موجب شد جمهوری اسلامی ایران به سمت وسوی ملاحظاتی ایدئولوژیک سوق داده شود. آنچه برای ایران در آن زمان ایده آل بود روی کار آمدن حکومت هایی با صبغه اسلامی و ایجاد حکومت مسلمانان بود و بر همین اساس نیز فعالیت مؤسسات مذهبی بیشتر در راستای تشویق و شکل دهی احیای مذهبی در منطقه بود. در سال ۱۳۶۸ و با روی کار آمدن دولت مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رنگ و بوی پراگماتیک گرفت. در این دوره با سفر مرحوم آیت الله هاشمی ریاست جمهوری وقت ایران به منطقه آسیای مرکزی و تأکید ایشان بر صلح و ثبات منطقه ای و توسعه مناسبات، همکاری های بالاخص در حوزه اقتصادی با کشورهای این منطقه آغاز شد. در این دوره که شاهد تغییر و تحول تعاملات ایدئولوژیک به تعاملات مناسبات اقتصادی هستیم و مثال بارز آن توسعه و تقویت آکو در این دوره است. دامنه این دوره به دوران حاکمیت گفتمان اصلاح طلبی (دوم خرداد) نیز کشیده شد و با عناصر فرهنگی و حاکمیت گفتمان فرهنگ گرایی در ایران نیز همراه شد. در دوره اصلاحات شاهد عناصری فرهنگی در کنار عناصری اقتصادی در روابط دو طرف بودیم. با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد حاکمیت گفتمان نگاه به شرق و عشق و علاقه به روابط ویژه با روسیه در اثر فاصله گرفتن از غرب و آنچه شاید غرب ستیزی آرمانی بود موجب شد جمهوری اسلامی ایران نه تنها توجه ویژه ای به این منطقه نداشته باشد، شاید با کمی تسامح بتوان گفت نقشی برای این منطقه در سیاست خارجی کشور قائل نشد. توجه ویژه دولت احمدی نژاد به آمریکای لاتین مزید بر علت شده بود تا نقش و جایگاه آسیای مرکزی که پیوندهای تاریخی، فرهنگی و

هویتی با ایران دارد در سیاست خارجی ایران افزایش نیابد و اولویت مناطق و کشورهای دیگر باشد. (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۸۷-۲۷۸).

در دوره اعتدال تحولات جدی در دوره هشت ساله حسن روحانی روی داد که از جمله آنها می توان به حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد، شهادت سردار سلیمانی و تقابل ایران و ایالات متحده آمریکا در چند هفته بعد از این واقعه، تفاهم بر سر برجام، خروج آمریکا از توافق هسته ای، شیوع بیماری کرونا، امضای پیمان ابراهیم بین امارات متحده عربی و اسرائیل، باز پس گیری برخی از مناطق اشغال شده در قره باغ توسط آذربایجان اشاره کرد. (ملکی، ۱۴۰۰، www.irdiplomacy.ir). در دوره ریاست جمهوری روحانی روابط ایران و تاجیکستان در دوره های زمانی گوناگون به سردی می گرائید چند عامل موجب سردی روابط دو کشور شد که از جمله آن می توان به اقدام دولت تاجیکستان در قبال حزب نهضت اسلامی اشاره کرد که این حزب را یک سازمان تروریستی اعلام و نسبت به بازداشت رهبران آن اقدام کرد. در همین راستا، دعوت ایران از محی الدین کبیری، رهبر این حزب برای شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی در تهران، از سوی دولت تاجیکستان با اعتراض مواجه شد. بنابراین، موضوع سوءظن دولت تاجیکستان نسبت به اهداف ایران در تاجیکستان و طرح مجدد این عامل در سایه تحولات مذکور، مهمترین عامل سردی روابط در طول دوران دولت روحانی بود. اما در سال ۱۳۹۸ وزیر خارجه تاجیکستان در سفر به تهران، پس از گفت و گو با حسن روحانی و محمدجواد ظریف بر گسترش همکاری های اقتصادی و سیاسی به ویژه در عرصه ترانزیت کالا و مبارزه با تروریسم تأکید کردند. یت الله رئیسی نیز شهریور ۱۴۰۰ به دعوت همتای تاجیک خود و برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو شانگهای به دوشنبه سفر کرده بود که در جریان آن ۸ سند همکاری بین ایران و تاجیکستان به امضای مقامات دو کشور رسید. در دولت آیت الله رئیسی کشورهای همسایه نقش پر رنگی را در سیاست خارجی دارند از اینرو آیت الله رئیسی شهریور ۱۴۰۰ به دعوت همتای تاجیک خود و برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو شانگهای به دوشنبه سفر کرد که در جریان این سفر ۸ سند همکاری بین ایران و تاجیکستان به امضای مقامات دو کشور رسید همچنین آغاز روند عضویت رسمی ایران در سازمان شانگهای نیز از دیگر دستاوردهای سفر آیت الله رئیسی به تاجیکستان بود (<https://irma.ir/xjJyZR>). در ادامه روابط دو کشور امامعلی رحمان د خرداد سال گذشته با سفر به ایران تمایل کشور خود را با همکاری با ایران اعلام نمود و اظهار داشت که همکاری های دوجانبه و نیز همکاری دو کشور در چارچوب سازمان های منطقه ای و بین المللی می تواند به رفع دغدغه های مشترک دو کشور کمک کند (پایگاه اطلاع رسانی دولت).

۲-۳- روابط اقتصادی ایران و تاجیکستان:

حوزه اقتصادی از مهمترین عوامل توسعه و استحکام روابط دو کشور ایران و تاجیکستان می باشد. و این حوزه می تواند علاوه بر تداوم و گسترش تعاملات دو کشور، عاملی برای کاهش وابستگی دو کشور به کشورهای دیگر به ویژه تاجیکستان به انرژی و دستیابی آنان به استقلال و رشد اقتصادی باشد. بدین جهت ایران نیز کوشیده است تا حضور اقتصادی و سرمایه گذاری خود را در این کشور افزایش دهد و سهم عمده ای در رشد اقتصادی تاجیکستان داشته باشد. مقامات رسمی ایران و تاجیکستان در طول بیش از دو دهه گذشته موافقتنامه‌های مختلفی در امور پزشکی، داروسازی، تجارت، بانکداری و فرهنگی امضاء نموده اند. با این وجود مناسبات اقتصادی ما بین ایران و تاجیکستان از سال ۱۹۹۷ پس از جنگ داخلی تاجیکستان چهره واقعی به خود گرفت.

سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد دوران رشد و اعتلای روابط اقتصادی و تجاری ایران و تاجیکستان می باشد. مقامات دولتی ایران بارها در تعاملات خود با مقامات تاجیکستان تمایل خود را در زمینه گسترش انرژی ابراز می کردند از اینرو مهمترین پروژه های ایران در تاجیکستان ساخت دو نیروگاه برق آبی نورآباد در رودخانه خنگو بود. علاوه بر ساخت این نیروگاهها، نیروگاه برق آبی سانتودیناکایا نیز در دستور کار ایران قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران می توانست بازیگر اصلی تامین انرژی و سرمایه گذاری اقتصادی و عمرانی در تاجیکستان باشد اما این چین است که بطور فعال در زمینه ساخت جاده های تاجیکستان فعالیت داشته و دارد و در حال حاضر چینی ها در زمینه پروژه های عمرانی و ارتباطات و بازرگانی مشغول می باشند (رفسنجانی نژاد، ۲۰۱۲، ۲).

سفرهای روسای جمهور ایران و تاجیکستان در سال گذشته و دیدارهای که بین دو رئیس جمهور انجام شد منجر به این شد که روابط تجاری دو کشور در مسیر رشد چند برابری قرار گیرد. به گفته سخنگوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، مجموع روابط تجاری ایران با تاجیکستان در ۱۵ سال گذشته یعنی از ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ فقط دو میلیون و ۷۱۳ هزار و ۹۳۳ تن کالا به ارزش دو میلیارد و ۵۸۳ میلیون و ۷۳۵ هزار و ۸۹ دلار بود که سهم صادرات ایران به تاجیکستان دو میلیون و ۵۲۷ هزار و ۹۳۷ تن کالا به ارزش دو میلیارد و ۲۰۷ میلیون و ۳۶۹ هزار و ۶۵۱ دلار بوده و واردات از تاجیکستان نیز ۱۸۵ هزار و ۹۹۶ تن کالا به ارزش ۳۷۶ میلیون و ۳۶۵ هزار و ۴۳۸ دلار بوده است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰، ۱۲۴ هزار و ۷۳۷ تن کالای ایرانی به ارزش ۹۱ میلیون و ۶۰۱ هزار دلار به تاجیکستان صادر کرده که نسبت به سال ۹۹ رشد ۵۳۵ درصدی در وزن و ۴۵۹ درصدی در ارزش داشته است. از سوی دیگر واردات ایران نیز از تاجیکستان

در سال ۱۴۰۰ با رشد ۲۶۳ درصدی در وزن و ۴۳۹ درصدی در ارزش، به ۱۴ هزار و ۵۱۲ تن کالا به ارزش ۳۹ میلیون و ۴۳۷ هزار و ۶۵۵ دلار رسید (لطیفی، ایرنا، ۱۴۰۱).
۳-۳- روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان:

عناصر هویتی و فرهنگی در جهان معاصر، از مولفه های اصلی شکل دهنده به مناسبات کنشگران سیاست بین الملل است. نقش این عوامل در مواردی حتی عوامل مادی و منفعت نگر را در روابط بین الملل تحت تاثیر خود قرار داده و آنها را کمرنگ می سازد. ایران و تاجیکستان به عنوان دو ملت پیوسته به هم که منشاء هویتی واحدی دارند نمونه بارزی از تاثیر غالب عوامل هویتی و فرهنگی در مناسبات میان کنشگران سیاسی هستند. عوامل و متغیرهای هویتی و فرهنگی بخش غالب روابط ایران و تاجیکستان را شکل داده و بر عوامل مادی فائق آمده اند. بویژه که منافع کشورها صرفاً ناظر بر منافع مادی و ابزاری نبوده بلکه منافع هویتی و هستی شناختی اولویت و ارزش بیشتری برای کنشگران سیاسی یافته است.

همزمان با تحولات سیاسی در سالهای اولیه استقلال تاجیکستان، ایران تلاش کرد از پتانسیل های فرهنگی هم سود ببرد که از مهم ترین آنها برگزاری نمایشگاه کتاب، برگزاری کنگره های علمی و افتتاح چندین کتاب فروشی در دوشنبه بود. تاسیس چندین کتابخانه در کشور تاجیکستان و در شهرهای دوشنبه، کولاب، خاروغ، کانما بادام، پنجکت و اورا تپه و تاسیس کرسی های ایران در دانشگاه های این کشور در همین دوره روی داد. س از فروپاشی اتحاد شوروی و تأسیس دولت های نوپیدا در امپراتوری گذشته که پانزده جمهوری را شامل میشد؛ مهمترین برآیند ائتلاف نیروهای چالشگر در استقرار نظامی نوین مبتنی بر ارزشهای تازه بوده است. فرهنگ از نظر تأثیر و عمق آن بر حیات سیاسی- اجتماعی ملت ها، جایگاه ویژه ای داشته و دارد. هویت و ماهیت فرهنگی در منطق رقابت، به شکل کلی و آسیای مرکزی به شکل خاص، امروزه بر اثر سیاست های جهانی سازی در حال محو شدن است و هنجارها و ارزش ها در این جامعه ها در حال جایجایی با ارزش ها و هنجارهای جامعه های غربی هستند و بدون توجه به تفاوت های آشکار ساختاری و ارزشی این جامعه ها با جامعه های غربی، فرایند یکسان سازی فرهنگی دنبال می شود (کولایی، ۱۳۷۲: ۲۹۹).

در سی سال اخیر روسای جمهورهای ایران در دوره های مختلف چندین بار به تاجیکستان سفر کرده اند که فقط شش بار آن را محمود احمدی نژاد انجام داده است. از سوی دیگر، امامعلی رحمان رییس جمهور تاجیکستان نیز تاکنون بیش از پانزده بار به ایران سفر کرده و در هر سفر روابط دو کشور در زمینه های مختلف گسترش یافته است. ضمن آنکه روسای جمهورهای دو کشور در حاشیه نشست

های مختلف نیز با یکدیگر گفت و گو کرده و رابطه نزدیکی داشته اند. در حقیقت برگزاری جشن نوروز در تاجیکستان و گردهمایی رئیس جمهورهای کشورهای فارسی زبان در این مراسم، که دو دوره آن نیز در ایران برگزار شد، می تواند گامی مؤثر در اتحاد و همبستگی فرهنگی کشورهای پارسی زبان باشد (Presstv, 2012: 1).

در سفر رسمی رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی رحمان به ایران که در ژوئن ۱۹۹۵ انجام شد سفارت تاجیکستان در ایران افتتاح شد و میان دو کشور ۸ توافقنامه مهم دیگر به امضاء رسید. از جمله سفرهای مهمی که بر روابط ایران و تاجیکستان تاثیر زیادی داشت سفر رسمی سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری سابق ایران، به تاجیکستان در مه ۲۰۰۲ بود. در این سفر اعلامیه مشترک تاجیکستان و ایران پیرامون گسترش روابط دو جانبه به امضاء رسید که در بخش فرهنگی آن چنین آمده است: دو طرف با در نظر گرفتن عمومیت میراث فرهنگی، همکاری های خود را در بخش آموزش، نشر و حفظ این میراث ادامه می دهند. این همکاری رابطه بین دانشگاه ها، مؤسسه های آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و تکنولوژیک، اجرای طرح ها و پروژه های تحقیقاتی مشترک و مبادله استادها و دانشجویان، کمک هزینه تحصیلی و بخش های دیگر را فرا خواهد گرفت. دو طرف همکاری های خود را در زمینه صدا و سیما و رسانه های خبری گسترش خواهند داد (New Europe, 2012: 1).

سفرهای گروه های عالی رتبه دو کشور و امضای اسنادهای مهم تحکیم دوستی و همکاری، امکاناتی فراهم آوردند که میان نهادهای فرهنگی نیز چندین توافقنامه همکاری به امضا رسید (مانند توافقنامه میان وزارت علوم تحقیقات و فناوری ایران با وزارت معارف تاجیکستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزارت فرهنگ تاجیکستان، صدا و سیما ایران و تاجیکستان، بنیاد فرهنگی تاجیکستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران، انتشارات سروش ایران و بنیاد فرهنگ تاجیکستان، کتابخانه ملی ایران با دانشکده هنر تاجیکستان).

۴- عوامل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان:

همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان به ثمر نخواهد نشست مگر اینکه مولفه ها و عوامل تاثیر گذار بر همگرایی این دو کشور مورد شناسایی و تبیین کرد. اشتراکات در حوزه های فرهنگی، تمدنی، اقتصادی و سیاسی بین ایران و تاجیکستان به میزانی است که بالاترین سطح تعامل و همگرایی مورد انتظار است. ایران و تاجیکستان علاوه بر علقه های کهن فرهنگی، قومی، زبانی، نژادی و

مذهبی از پیوندهای اقتصادی و سیاسی نزدیکی با یکدیگر برخوردار می باشند. این دو کشور علاوه بر آنکه دارای اشتراکات فرهنگی و تمدنی متعددی هستند به دلیل ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در بسیاری از زمینه ها مکمل هم محسوب می شوند (جعفری کیا، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

استفاده از عناصری مثل تاریخ، فرهنگ، زبان، ادبیات و آداب و رسوم مشترک میان مردم این دو کشور یک راهکار مناسب در راستای ایجاد همگرایی است علاوه بر دین اسلام نیز در پیوند مردمان دو کشور تاثیرگذار است. از اینرو در این مقاله مهمترین عوامل همگرایی بین دو کشور ایران و تاجیکستان را به صورت مختصر بیان می کنیم:

۱-۴- پیوندهای زبانی:

یکی از عوامل مهم همگرایی ایران و تاجیکستان پیوندهای زبانی است. اقوام ایرانی زبان در طول تاریخ در محدوده بسیار وسیعی گسترده بودند قدیمی ترین منطقه سکونت اقوام ایرانی زبان شامل بخش بزرگی از آسیای مرکزی نیز می شد با آمدن قبایل ایران آریایی زبان به آسیای مرکزی و بخش های جنوبی آن یعنی سرزمین هند و ایران نوعی خویشاوندی زبانی در سراسر منطقه به وجود آمد. حکومت های هخامنشی و اشکانی در بخشی از آسیای مرکزی معیار های فرهنگی جدیدی به وجود آوردند قبل از گرایش آسیای مرکزی به دین اسلام، لهجه های مختلف زبان ایرانی در سراسر خراسان بزرگ گسترش یافته بود. کشف نوشته های ایرانی میانه در مرو و وجود اشعار پارسی بر اساس گزارش های ابن مقفع و مقدسی در بلخ نشانگر این امر است و از همین دو مرکز فرهنگی، زبان ایرانی به نواحی شمالی تر ماوراء النهر را یافته و با دیگر لهجه های ایرانی، سغدی و طخاری در آمیخته است (ملکیان، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

نتیجه تاریخی تحقیقات جغرافیایی درباره زبان، حاکی از آن است که حدود ۱۵۰۰ سال زبان های ایرانی موجود در آسیای مرکزی به شدت تحت تاثیر زبان ترکی قبایل قرار گرفته است. نکته جالبی که درباره جغرافیایی مذهبی و نیز جغرافیایی زبان حائز اهمیت است آن است که مردم این نواحی همگی مسلمان هستند و از همان قرون نخستین به اسلام گرویدند اما زبان عربی نتوانسته جایی برای خود باز کند. زبان فارسی، فارسی دری، پارسی، دری زبانی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان با آن سخن می گویند در افغانستان ۲۰ میلیون، در تاجیکستان ۵ میلیون، در ازبکستان ۷ میلیون نفر و در شبه قاره هند جمعیت زیادی به این زبان صحبت می کنند. در ایران نیز اکثریت مطلق به طور کلی در جهان بیش از ۱۱۰ میلیون نفر به این زبان صحبت می کنند (میر احمدی، ۱۳۷۲: ۸۹).

۲-۴- علقه های دینی:

یکی دیگر از عوامل همگرایی بین دو کشور علقه های دینی است پس از تصرف ایران به دست سپاهیان اسلام، شرق و شمال ایران و منطقه آسیای مرکزی وارد عصر جدیدی شد و اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این مناطق تحت تاثیر اسلام قرار گرفت. اسلام در ماوراء النهر وحدتی به وجود آورد که در زمان هخامنشیان و دوران سلطه اسکندر مقدونی نیز به چشم نخورده بود. در جریان توسعه نفوذ اعراب در آسیای مرکزی قدرت های محلی ترک به سمت شمال شرقی عقب رانده شدند و به همین دلیل از نظر جغرافی داناتان مسلمان قرون سوم و چهارم هجری ترکستان از شمال ماوراء النهر آغاز می شده است. نخستین دولت ترک اسلامی در آسیای مرکزی را قراخانیان به وجود آوردند. ترکان قراخانی که نخست در مغولستان می زیستند با پذیرش اسلام نخستین سلسله بزرگ اسلامی ترک را بنیان نهادند خاندان قراخانی سپس با نام سیاسی مستقل ترکمانان در تاریخ آسیای مرکزی نقش مهمی ایفا کردند. قراخانیان با سلسله های مشهور ایرانی مانند سامانیان و غزنویان و خوارزمشاهیان ارتباط نزدیکی ایجاد کردند و درگیری های نظامی طولانی با آنها داشتند. پس از طاهریان و صفاریان، سامانیان در برابر دستگاه خلافت عباسی قیام کردند و بر ماوراءالنهر تسلط یافتند. اساسا توسعه اسلام در آسیای مرکزی از قرن اول هجری صورت گرفت و در قرن سوم هجری به عنوان دین اصلی در این منطقه مطرح شد (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۴). آسیای مرکزی با درصد بالایی از جمعیت مسلمان، یکی از مناطق جهان اسلام محسوب می شود؛ به طوری که ترکمنستان ۲۷ درصد، قزاقستان ۴۷ درصد، قرقیزستان ۷۱ درصد، تاجیکستان ۲۱ درصد و ازبکستان ۲۲ درصد از جمعیت شان مسلمان است این درصد بالای جمعیت مسلمان علیرغم فشار شدید کمونیست ها طی ۷۴ سال نشان دهنده علاقه مردم این کشورها به دین اسلام است (سعیدی، ۱۳۸۷).

۳-۴- پیوندهای نژادی:

از دیگر عوامل همگرایی ایران و تاجیکستان پیوندهای نژادی است. بررسی های تاریخی نشان می دهد استپ های شمال آسیا از نخستین مراکز شکل گیری تمدن های اولیه و کشف آثار عصر حجر بوده است. آریایی ها از اقوام هند و اروپایی بودند از دشت های اوراسیا به سوی فلات ایران کوچ کردند و در دشتهای و مرغزارهای سبز خوارزم سکنی گزیدند و به تدریج تمدن بزرگی را به وجود آوردند. عده دیگری نیز در بخش دیگری از اوراسیا تا ماوراء النهر، صحرائشینی و کوچ نشینی را برگزیدند و به زندگی قبیله ای روی آوردند که در کتب و حماسه های قدیمی ایران، تورانی خوانده شدند. در اساطیر ایرانی فریدون سه پسر به نامهای سلم، تور و ایرج داشت. سرزمینی که به پسر میانی خود واگذار کرد، توران خوانده شد.

در کتابهای اوستا و پهلوی نیز تورانیان و ایرانیان از یک نژاد خوانده شده اند، ولی سطح فرهنگ آنان از ایرانیان پایین تر بود. مرز ایران و توران در دوران قبل از اسلام، همواره جیحون (آمودریا) و گاه سیحون (سیر دریا) بود. از نخستین سال های ظهور مسیحیت با هجوم قبایل ترک از سوی شرق و ورود اقوام زردپوست از سوی غرب اوراسیا، به تدریج زبان ترکی جایگزین لهجه های ایرانی گردید. پیوندهای قومی و نژادی زمینه مساعدی برای همگرایی است، به طوری که تاجیکان مردمی آریایی تبار و فارسی زبان هستند که از کهن ترین زمان در آسیای مرکزی و افغانستان زندگی می کنند و امروزه افزون بر این مناطق در ایران و در ناحیه سین کیانگ چین نیز به سر می برند. مهمترین نقطه اشتراک ما با دولتها و کشورهای آسیای مرکزی وجود قبایل آریایی در منطقه به عنوان قدیمی ترین ساکنان است که در هزاره های سوم قبل از میلاد از ممالک پر جمعیت جهان به حساب می آمدند. اوج فرهنگ آریایی در تأثیرگذاری بر تمامی منطقه از جهت سیاسی و دینی بوده است، به طوری که حتی با آمدن اسلام و تلاقی و اختلاط آن با فرهنگ و سنن آریایی ها، استقلال فرهنگی منطقه و مؤلفه های فرهنگی این تمدن، اصول خود را حفظ کرده است. لذا آنچه مشخص است، تأثیر عناصر آریایی در تمدن اسلامی است (اطهری، ۱۳۸۸: ۳۲).

۴-۴- تاریخ مشترک:

از منظر تاریخی، مردم ایران، تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان، ترکمنستان و بخش هایی از قزاقستان و قرقیزستان به همراه بخش بزرگی از قفقازیه، در مشترک المنافع هخامنشی، پارتی، ساسانی در دوران پیش از اسلام و در زمان خلافت عباسی در امپراطوری های ایرانی و ترکی سامانی، سلجوقی، غزنوی و تا همین اواخر در امپراطوری صفوی، تجربه ای طولانی از زندگی در کنار هم دارند (مجتهد زاده، ۱۳۷۴). ایران و کشورهای آسیای مرکزی از پیش از تاریخ، دوران باستان و در عصر امپراطوری عظیم هخامنشی و ساسانی تا دوره اسلامی و دوره معاصر و قبل از اینکه این کشورها تحت سیطره حکومت کمونیستی قرار گیرند، مجموعه واحد و یا سرگذشت تاریخی مشترکی داشتند و پیوندهای دیرین و ناگسستگی بین آنها برقرار بود، به طوری که می توان ادعا کرد هیچ یک از کشورهایی که امروزه صحنه گردان آسیای مرکزی هستند، قدمت پیوند ایران با این کشورها را ندارند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۳).

پیوندهای تاریخی ایران با منطقه آسیای مرکزی به طور اعم و تاجیکستان به طور اخص، پدیده ای است دیرین به عمر طول تاریخ منطقه و فراتر از آن، یعنی دوران پیش از تاریخ. به شهادت مدارک باستان شناسی و پژوهش های مردم شناسی و اسناد بی شمار تاریخی، ایران و افغانستان و جمهوری های خراسان

بزرگ از کهن ترین دوران در بستری از فرهنگ ها و تمدن های شناخته شده حرکت کرده اند که از همسانی ها و هم ریختی چشم گیری برخوردار بوده است. بنا بر اسناد و شواهد تاریخی در حدود ۲۵۰۰ ق. م جمعیت بزرگی از انسان های سفید پوست آریایی در سرزمینی که آریانا و یجه نام داشت و در وادی های شمال آمودریا (آسیای میانه) در حالت کوچ نشینی و رمه داری زندگی می نمودند. با افزایش روزافزون جمعیت شان از صفحات جنوب آمودریا و سرزمین باختر گذشته و در دامنه های شمالی و جنوبی هندوکش مسکون شدند. این طوایف پس از مدتی باز هم به دلیل افزایش جمعیت هجرت به شرق را آغاز کردند و از دریای سند به وادی های هند شمالی جا به جا شدند. بعدها در حدود تقریباً دو هزار سال بعد مقارن با ۶۰۰ قبل از میلاد همین طوایف یکی از حوزه های بزرگ تمدنی و امپراطوری پر قدرت را تشکیل دادند که فلات آریانا نام دارد. تاریخ گواه بر آن است که فلات آریانا از کوچیدن دو قوم یا دو گروه طایفه ای بزرگ به نام مادها و پارس ها از طوایف صحراگرد هند و اروپایی که در حدود ۱۵۰۰ ق. م از مناطق وسیع دشتی و صحرای آسیای میانه صورت گرفته، عرض وجود نموده است. این فلات، بخشی از منطقه بزرگ کم آبی را تشکیل می داد که از آفریقا تا اوراسیا ادامه می یافت. مرز آن در غرب کوه های زاگرس و در شمال فلاتی است که از کرانه جنوبی دریای خزر تا هندوکش گسترش یافت. مادها در بخش شمال غربی فلات و پارس ها در بخش جنوب غربی آن می زیستند و هر دو قوم به صورت طوایف خراج گذار امپراطوری نیرومند آشور بودند. دین مادها و پارس ها با دین آریایی هایی که حدود ۱۵۰۰ ق م به هند یورش بردند وجه اشتراک داشتند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۳-۵).

۵-۴- اقتصاد:

فعالیت های اقتصادی و تجاری یکی از قوی ترین عوامل همگرایی میان دو کشور ایران و تاجیکستان می باشد. وجود منابع مشترک، دست یابی به بازار منطقه، موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران، از جمله مواردی است که همکاری و همگرایی بیشتر را ایجاد می نماید. فراهم نمودن بستر مناسب از سوی ایران برای سرمایه گذاری و فعالیتهای اقتصادی و تجاری در تاجیکستان و برقراری امکان انجام تحقیقات مشترک در بخش تجارت و سرمایه گذاری برای یافتن فرصت های مطلوب و موضوعاتی همچون انرژی، آب، غذا و حمل و نقل به نوبه خود می تواند موجب افزایش رویکرد همگرایی میان این کشورها شود. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان هر کدام دارای مزیت های اقتصادی هستند که این مزیت ها می تواند موجب همگرایی بین دو کشور شود.

جمهوری اسلامی ایران از نظر اقتصادی دارای امتیاز قرابت جغرافیایی است با توجه به اینکه تاجیکستان محصور در خشکی است، موقعیت جغرافیایی ایران امکان دسترسی آن را به دریای آزاد می

تواند فراهم سازد (مجتهد زاده، ۱۳۷۶: ۳۲). به عبارت دیگر تاجیکستان از طریق ایران می تواند به اروپا ارتباط پیدا کند و از سوی دیگر با استفاده از بنادر ایران به خلیج فارس و نقاط دیگر جهان دسترسی پیدا کند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۵). علاوه بر آن برخورداری ایران از منابع انرژی برای تولید کالاهای واسطه ای و یا مصرفی است که باعث شده تا نسبت به سایر کشورها از مزیت قابل توجهی برخوردار باشد. همچنین تجربه و مهارت های فنی ایران در زمینه اکتشاف، تولید و پالایش نفت و گاز و سدسازی برای تاجیکستان بسیار سودمند می تواند باشد.

تاجیکستان نیز برای ایران دارای مزیت های فراوانی است. تاجیکستان نزدیک ترین شریک اقتصادی و سیاسی ایران در آسیای مرکزی است. پس طبیعی است که رشد تاجیکستان باعث می شود تا یک شریک کم نیروی منطقه ای ایران به شریکی قدرتمند و موثر در آسیای مرکزی تبدیل شود که این بی شک به نفع ایران است. این کشور دروازه ورود محصولات و تکنولوژی ایرانی به بازارهای آسیای مرکزی است. زیرا این کشور در نقطه ای قرار دارد که در صورت استفاده از راه های زمینی می تواند ایران را با چین، قزاقستان و شرق روسیه متصل کند. از دیگر مزیت های تاجیکستان برای ایران این است که این کشور مهمترین تولید کننده آلومینیوم و یکی از تولیدکنندگان مهم نخ پنبه در منطقه آسیای مرکزی است و در مقابل ایران واردکننده هر دوی این محصولات است. همچنین صادرات میوه تاجیکستان به ایران می تواند یکی از زمینه های مناسب و قابل گسترش همکاری باشد. از سوی دیگر تاجیکستان طبق محاسبات آماری در صورت استفاده بهینه از منابع انرژی خود می تواند تا ۹۰ میلیارد کیلو وات ساعت انرژی برق در سال تولید کند که این میزان تنها نیمی از نیاز داخلی آن است. در مقابل نیاز به نیروی برق در ایران به نحو فزاینده ای در حال افزایش است و تاجیکستان می تواند در آینده صادر کننده نیروی برق به ایران باشد (بدوحی، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۲).

علاوه بر مواردی که ذکر شد جمهوری تاجیکستان و جمهوری اسلامی ایران با چند تهدید مشترک رو به رو هستند که مهمترین آنها قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط گرایی است. وقتی تهدید مشترک است، پس موفقیت هر دو کشور در مبارزه با آن موفقیت دیگری را در پی خواهد داشت.

نتیجه گیری

پس از استقلال تاجیکستان در سپتامبر سال ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که در تاجیکستان سفارت خود را افتتاح کرد و نیز یکی از طرف های مذاکرات صلح بود که تلاش های زیادی برای تحصیل صلح انجام داد و در برقراری آتش بس میان طرفین درگیر در جهت برقراری صلح

اقدام کرد. بر این اساس توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان از اولین روز استقلال تاجیکستان در دستور کار مسئولان کشور قرار گرفت. دو کشور پارسی زبان ایران و تاجیکستان، ظرفیت های لازم برای همگرایی را دارند تا به اهداف مورد نظر خود دست یابند. اقتصاد و تجارت و سرمایه گذاری، وحدت تمدنی، تاریخ و فرهنگ مشترک، پیوندهای زبانی و نژادی و علقهای دینی می توانند به عنوان یک نیروی قوی و مؤثر در همگرایی بین دو کشور عمل کند.

هرچند که عوامل مشترک میان ایران و تاجیکستان می تواند در پیوند میان دو کشور به عنوان نقطه آغاز همکاری ها و همگرایی با اهمیت باشد اما برای استمرار آنها به عوامل دیگری نیز نیاز است در این زمینه باید به این مسئله نیز توجه کرد که با وجود اشتراکات میان دو کشور تفاوت های قابل توجهی نیز میان آنها وجود دارد که ممکن است منجر به واگرایی بین دو کشور شود از جمله آنها می توان به ارزش های سیاسی متفاوت (نظام حکومتی سکولار تاجیکستان، تقابل اسلام شیعی ایران با اسلام سنی تاجیکستان)، طرح اتحاد کشورهای ترک زبان، تبلیغات ضد جمهوری اسلامی ایران از سوی کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای اشاره کرد.

نکته ای که نباید در شرایط موجود جهان نادیده گرفت تحول در نظام بین الملل و ارتباطات بین ملت هاست که برای کشورهای که سیاستگذاری منطقه ای یا بین المللی انجام می دهند باید به شدت و به دقت مورد توجه قرار گیرد. نت، دانش و خدمات اینترنت یک بستر گسترده ای را فراهم کرده است که بر رفتارهای اجتماعی، بر شکل دهی هویت ها و بر جهت دهی مسیرها تأثیر گذار شده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۷۰). **ملّیت های آسیای میانه**. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بدوحی، منوچهر (۱۳۹۰). «تاثیر تعاملات اقتصادی در توسعه روابط ایران و تاجیکستان»، **فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**، شماره ۱۷، زمستان.
- جعفری کیا، علیرضا (۱۳۹۸). «تحلیل روابط سیاسی تاجیکستان»، **مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، دوره پنجم، شماره ۱، بهار.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). **سیاست خارجی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۲۰۰۱-۱۹۹۱**، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- حقی، محمد (۱۳۹۶). **همگرایی ملت‌ها و واگرایی دولت‌های مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی**، تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷). **جهانی سازی و همگرایی کشورهای اسلامی (موانع و چالش‌ها)**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کولایی، الهه (۱۳۷۶). **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سمت.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران: نشر نی
- ملکی، عباس (۱۳۷۱). «روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱، تابستان.
- ملکیان، محسن (۱۳۹۱). «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان»، **دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان.

ب) منابع انگلیسی

- Deutsch, Karl, (1967), *Arms Control and The Atlantic Alliance: Europe Faces Coming Policy Decisions*, New York, Wiley
- DOLAT (2012), "Cultural Unity between Iran and Tajikistan", Available at: <http://www.dolat.ir>, (accessed on: 19/10/2012).

فصلنامه راهبرد سیاسی؛ سال نهم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، زمستان ۱۴۰۱

Miller, Lynn ,The Prospect of Order Through Regional Security, in Richard A.Falk and Sual H. Mendlovitz (eds), (1973) ,Regional Politics and World Order, San Fransisco, WH.Freeman

Marat, Erica (1 February 2006), "Iran & Tajikistan strengthen cooperation in the energy sector, Eurasia Monitor

New Europe (2012), "Iran is Reliable Friend of Tajikistan" Available at: <http://www.neurope.eu>, (accessed on: 18/3/2012).

<https://irna.ir/xjJyZR>

<https://www.president.ir/fa/136803>